

سیدرتلفن اربابان مطلق با خوانندهگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷۷

شورای عالی کار به وظایف قانونی خود عمل کند از شورای عالی کار توقع نمی‌رود که نرخ سبب معیشت را تعیین کند زیرا نرخ این سبب باید توسط مراکز رسمی کشور اعلام شود. به جای آن انتظار می‌رود مذافق حقوق کارگران باشند و با اعلام نرخ‌های قدیمی جامعه را ملتغب نکنند.

سیدرتازه از تهران

شماره ۱۶۲امدادوسیمیا پاسخگو نیست درحالی که در انتهای همه برنامه‌های رادیو و تلویزیون شماره ۱۶۲ به عنوان شماره پاسخگوی مخاطبان اعلام می شود تا پیشنهاده‌ها و انتقادات خود را بگویند و حتی مردم تشویق به تماس با این شماره تلفن می شوند، شماره ۱۶۲ پاسخگو نیست. در واقع این شماره شبیه همان موضوع تکریم ارباب رجوع است که مدت‌هاست به‌نظر می‌رسد تعطیل شده است.

سیدپور از همدان مسئول جمع آوری متکدیان رشت کیست نقطه‌ای از شهر رشت نمانده که در اختیار گدایان و متکدیان نباشد. سسر چهارراه‌ها ملو از کودکان متکدی و مردان و زنان است. چه کسی اینها را در رشت سازماندهی کرده که هر روز و در ساعات مشخصی در مکان مخصوص به خود هستند و آرامش مردم را گرفته‌اند. آیا این وضع که هر گوشه شهر متکدی باشد در شان شهر جهانی غناست. از مسئولان رشت تقاضا دارم نسبت به جمع آوری متکدیان، شناسایی سرتیم‌ها و برخورد با آنها و ساماندهی افراد بی‌بضاعت واقعی اقدام کنند.

آذرگون از رشت

پيامک
ارسال به‌کودک خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶

پاکت‌های بزرگ برای اندکی چپیس و یک تکه کیک قبلاًممکن بود برخی برندها کم‌فروشی کرده و چند گرم کیک یا چپیس را درون یک پاکت بزرگ بریزند،اما اکنون برندهای معروف نیز دست به کار شده و وقتی درون پاکت چپیس یا کیک را باز می کنی دچار حیرت می‌شوسی که این دیگر چه داستانی است. درحالی‌که قیمت‌ها چند برابر شده و اقلامی مانند چپیس و پفک و بیسکویت و کیک هم هر بار مشمول افزایش قیمت شده‌اند چرا از حجم و اندازه کالای داخل پاکت کاسته شده است. درباره کیفیت حرفی نمی‌زنیم و فعلا بحث کم فروشی در حجم و اندازه است.

سلیمی از تهران
لاین تندروی بلوار شهدای اندیشه نیازمند سرعکاه است لاین تندروی بلوار شهدای اندیشه بعد از زیر لیز گذر فاز یک نیازمند سرعکاه و چراغ‌های راهنمایی و رانندگی فازهای ۳ و ۴ نیازمند تعمیر است. در این چراغ‌ها مدت چراغ سبز ۱۰ ثانیه و چراغ قرمز ۵دقیقه است که اصلا منطقی نیست.

مریدی از شهریار

متغیر بودن سرعت مجاز در بزرگراه‌ها عادلانه نیست هم‌اکنون در بزرگراه‌های تهران و اطراف آن سرعت مجاز متغیر است. مثلا سرعت مجاز در اتوبان ایشناسان ۹۰کیلومتر است. در ادامه مسیر اگر وارد باکری جنوب شوید سقف سرعت مجاز ۸۰کیلومتر است. چه بسا رانندگانی که اصلا متوجه این اختلاف نمی‌شوند دوباره در ادامه مسیر سرعت ۹۰کیلومتر می‌شود. در اتوبان امام علی (ع)سرعت مجاز ۸۰کیلومتر است و در اتوبان تهران- کرج ۱۰۰کیلومتر و در مقاطعی ۹۰کیلومتر. جدای آن در بزرگراه خرازی در انتهای همت به سمت کرج در حالی‌که می‌توان سرعت مجاز ۱۲۰کیلومتر باشد که قبلا هم بود مسرعت را ۹۰کیلومتر در نظر گرفته‌اند که رانندگان را عصبانی می‌کند. بدترین قسمت این تغییرات جریمه شدن رانندگان به‌خاطر اختلاف سرعت مجاز در گوشه و کنار تهران است. لطفا تدبیری برای این موضوع بکنید.

محمدخواه از تهران

پیامک
تلگرام با مردم @bamardom_humshahri

گودال زنجانی در شهر ک غرب تعیین تکلیف شود ۲دهه است که زمین پهناور ایران زمین که به گودال زنجانی معروف است به حال خود رها شده است. این گودال که قرار بوده مجتمعی تجاری شود محل تجمع افرادی بی‌خانمان شده و هر چند مشکلی آنها را جمع آوری می‌کنند اما دوباره این افراد در آن سکنی می‌کنند و امنیت منطقه را برهم می‌زنند.از طرف دیگر گودباری‌های این زمین امنیت ساختمان‌های اطراف را به خطر انداخته است و احتمال دارد حادثه‌ای تلخ رقم بزند.

مردوخی از تهران چراباقیمانده طرح متناسب‌سازی اجرانمی‌شود طرح متناسب‌سازی حقوق برای بانزنتستان لشکری و کشوری در کمتر از ۲ماه در دولت نوشته، به مجلس ارائه، تصویب و اجرائی هم شد. یعنی پروسه نوشتن لایحه تا تأمین اعتبار دوامه هم طول نکشد. اما بانزنتستان تأمین اجتماعی و کارگری بیش از ۱۰ماه است در انتظار طلبشان هستند درحالی‌که نه قرار است لایحه‌ای نوشته شود، نه قرار است چیزی تصویب کنند و همه‌چیز دست تأمین اجتماعی است و پاک امضای امر محقق می‌شود، چرا این همه دست دست می‌کنند وچرا بانزنتستان تأمین اجتماعی از مزایای بانزنتستان لشکری و کشوری محرومند.

پدللهی از شیراز قطع برق در محله اسکندری تهران بیش از اندازه است مدت‌هاست برق محله اسکندری در جمهوری قطع می‌شود و کسب و کار کسبه را مختل می‌کند. به‌عنوان مغازه تعمیرات موبایل کارم وابستگی به برق دارد و بدون برق کلا کسب وکارم تعطیل می‌شود.اگر هم بخواهم تعطیل کنم برق نیست که کر کره مغازه را پایین بکشم.

قردهاگی از تهران

جنایی
جواد عزیزی روزنامهنگار

مرد جنایتکار و همدستش که در جریان سرقت گوسفندان عشایر در استان فارس، ۴انفر را بی‌رحمانه به قتل رسانده بودند با تلاش گسترده پلیس دستگیر شدند.سارق بی‌رحم در جریان یکی ازجنایت‌هایش مردی را مقابل چشمان همسرش به قتل رسانده و اقدام به سرقت گوسفندان او کرده بود.

به گزارش همشهری، مه‌رامه امسال مأموران پلیس شیراز در جریان جنایتی هولناک قرار گرفتند. در این جنایت،یکی ازعشایر هنگام چرای گوسفندانش هدف حمله سارقان قرار گرفته و مقابل چشمان همسرش به ضرب گلوله درزان به قتل رسیده بود. با حضور تیم جنایی در محل حادثه معلوم شد که آن روز،مقتول و همسرش که از عشایر استان فارس هستند،در مراتع اطراف شیراز در حال چرای گوسفندان‌شان بودند که سارقان سوار بر یک نینسان آبی به سراغ آنهارفتند.یکی از درزان سلاح شکاری در دست داشت و به محض رسیدن به محل چرای گوسفندان،با اسلحه شروع به تهدیدزوج جوان کرد. او و همدستش قصد سرقت گوسفندان را داشتند اما مرد جوان که گوسفندانش همه درآب‌اشی بودند شروع به مقاومت در برابر درزان کرد و همان لحظه بود که سارق مسلح با شلیک گلوله او را مقابل چشمان همسرش به قتل رساند. درزان سپس دست و پای زن جوان را بسته و باخیال راحت شروع بهانتقال گوسفندنها بهخودروی نینسان کردند و پس از این سرقت مرد گبیار از محل گریختند.دقایقی پس از فرار آنها بود که زن جوان توانست دست و پایش را باز و ماجرای این سرقت هولناک را به پلیس گزارش دهد.

سرتق‌های مرگیار

تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی استان فارس مأمور رسیدگی به این پرونده شدند و تحقیقات گسترده برای شناسایی و دستگیری عامل این جنایت و همدستش شروع شد. آنها در جریان بررسی‌های تخصصی متوجه جنایت‌های مشابهی شدند که بین ماه‌های مرداد تا مهر در شهرستان فیروزآباد استان فارس رخ داده بود. بررسی‌ها نشان

حوادث

بادستگیری سارق جنایتکار آرامش به عشایر استان فارس بازگشت

پایان جنایت‌های سریالی سارق مخوف



می‌داد که پیش از این نیز ۴انفر از عشایر زمانی که در حال چرای دام‌هایشان در مراتع اطراف فیروزآباد بوده‌اند، قربانی درزان شده و سارقان مسلح پس از قتل آنها،اقدام به سرقت گوسفندان کرده و از محل گریخته بودند.بررسی‌های تخصصی از این حکایت داشت که در همه این جنایت‌ها،سارقان با استفاده از یک نینسان آبی به محل چرای گوسفندان رفته، با اسلحه اقدام به تهدید عشایر کرده و نقشه سرقت را باز و ماجرای این سرقت هولناک را به پلیس گزارش دهد.

گوسفندان متواری می‌شدند.

شاهدان عینی

هر چه تحقیقات کارآگاهان جلوتر می‌رفت، سرخ‌های بیشتری از این سرقت‌های مرگیار به‌دست می‌آمد. سرقت‌هایی که باعث به‌وجود آمدن جوی از وحشت در میان عشایر استان فارس

برای به دام انداختن وی انجام شد. چند روز پیش این خودرو در شهرستان فیرج استان کرمان از سوی پلیس شناسایی شد و مأموران در جریان یک عملیات ضربتی، آن را متوقف و راننده‌اش را دستگیر کردند. با کشف یک قبضه سلاح شکاری در داخل این خودرو، راننده کسه مظنون اصلی سرقت‌های مرگیار در استان فارس بود بازداشت و برای تحقیقات به پلیس آگهی شیراز منتقل شد.

قاتل سریالی

بادستگیری مظنون اصلی قتل ۴انفر از عشایر در استان فارس، مأموران محل زندگی او را شناسایی کردند ودر بازرسی آنها یک سلاح شکاری دیگر که در تعدادی از جنایت‌ها از آن استفاده شده‌بود، کشف شد. در این شرایط متهم دستگیر شده که چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت به محقره سرقت مسلحانه احشام‌اتراف کرد و گفت که در ۴سرقت، زمانی که با مقاومت صاحبان احشام روبه‌رو شده‌با سلاح شکاری به آنهاشلیک کرده و این افراد را به قتل رسانده است. او همچنین مدعی شد که در جریان این سرقت‌های مرگیار یک همدست داشته که این فرد نیز از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شد. همچنین در ادامه رسیدگی به این پرونده ۴نفر دیگر به اتهام معاونت در سرقت‌های مرگیار و همکاری با متهم اصلی دستگیر شدند و مأموران موفق شدند ۲مالخری را که گوسفندان مسروقه را از قاتل و همدستش می‌خریدند بازداشت‌کنند.به‌گفته سردار رام‌پخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس، عامل اصلی جنایت مردی ۳۰ و ۶ساله و همدستش ۲۰ساله است. این مرد اعتراف کرد که از مردامه تا اواخر مهر ماه، ۴۰۳ و ۵۰۲، ۷ و ۶ساله را هنگام سرقت احشام به قتل رسانده‌است که یکی از این سرقت‌های مرگیار در اطراف شیراز رقم خورد و ۴سرقت مرگیار دیگر در حوالی شهرستان فیروز آباد، فرمانده انتظامی استان فارس با بیان اینکه ا آرامش عشایر زمتکش استان قخر فظ پلیس است و مأموران با اسارت‌قایی که آرامش این عزیزان را به خطر بیندازد به‌شدت مقابله خواهد کرد، افزود: خوشبختانه با دستگیری سارق جنایتکار و همدستش، آرامش به عشایر استان بازگشت و هم‌اکنون تحقیقات پلیسی برای مشخص شدن تمامی اقدامات مجرمانه قاتل و همدستانش ادامه دارد.

دستگیری در کرمان

تیم تحقیق توانسته بود مظنون اصلی این جنایات را شناسایی کند اما هیچ ردی از او نبود. کارآگاهان در ادامه بررسی‌ها متوجه شدند که این مرد اواخر مهرماه اقدام به سرقت یک خودرو و با استفاده از آن راهی استان کرمان شده‌است. مسیر حرکت مظنون اصلی ردگیری و هماهنگی‌های لازم با پلیس کرمان

۷ماه پس از بزرگ‌ترین سرقت پایتخت، متهمان اصلی این گروه از ترکیه به‌ایران برگشتند

سارقان فراری بانک ملی به ایران برگشتند

فکرش را نمی‌کردیم دستگیر شویم
یکی از متهمان که به ایران بازگردانده شد، هنوز در شوک است و فکرش را نمی‌کرد که دستگیر شود. او در گفت‌وگویی از نقشه سرقت بزرگشان می‌گوید.

چند وقت بود نقشه سرقت از بانک را کشیده بودید؟

چند ماهی بود که در فکر سرقت بودیم اما باید منتظر تعطیلات طولانی می‌ماندیم تا نقشه را عملی کنیم. از قبل چند نفر از اعضای باند به آنجا رفته بودند و مدل صندوق‌های امانات را فهمیده بودند. بعد به جست‌وجو در اینترنت پرداختیم و اطلاعات کامل این مدل صندوق را به‌دست آوردیم. وقتی متوجه شدیم که جنس صندوق‌های موردی است که با یک ضربه به‌جکش، قفلش می‌افتد و در صندوق باز می‌شود، نقشه سرقت را کشیدیم.

پس از سرقت چه کردید؟

از قبل بلیت ترکیه گرفته بودیم و یک ساعت و نیم بعد از سرقت راهی ترکیه شدیم. حقیقتا یک در صد هم احتمال نمی‌دادیم که شناسایی شویم. ما نفری ۳هزار دلار با خودمان بردیم و فرار شد بعد از ۲روز برگریم. با خودمان گفتیم اگر آب‌ها از آسیاب بیفتند، پول‌های سرقتی را خرج می‌کنیم که تصورمان اشتباه بود.

کی در ترکیه به دام پلیس افتادید؟

۴۸ساعت بعد از سرقت من و پسر خاله‌ام در ترکیه دستگیر شدیم اما در این مدت در کمپ بودیم تا کارهای استرداد انجام شود.

یعنی از اموال مسروقه با خودتان چیزی نبردید؟

نه، چون فکر می‌کردیم برمی‌گردیم.

اموال مسروقه را کجا نگهداری می‌کردید؟

بخشی از دلار و طلاها را نزد دوستم گذاشته بودیم و مقداری از آن هم در صندوق ماشین بود. مقداری هم پیش برادرهایم بود که مسروقه شدند و اموال کشف شد.

پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه دار هم هستی؟

یک سال قبل به اتهام سرقت بانک سیمه بازداشت شدیم و در آن سرقت خیلی بی‌توانانیم. کل پولی که دستمان را گرفت ۶۰۰میلیون تومان بود که خیلی زود دستگیر شدیم. اما چند ماه بعد با وثیقه آزاد شدیم و با خودمان نقشه کشیدیم تا دست به سرقت بزرگ بزنیم اما در نهایت همه چیز توسط پلیس لو رفت و همه ما دستگیر شدیم.



می‌کرد. آنها دیگر مطمئن نشده بودند که راه را گم کرده‌اند. با وجود این به حرکت خود ادامه می‌دادند و امیدوار بودند تا شاید در راه کولبر دیگری را ببینند و نجات پیدا کنند. از سوی دیگر آنها بارهای سنگینی به همراه داشتند و نمی‌توانستند آنها را در کوهستان رها کنند. تنها دلخوشی آنها این بود که این بارها را به مقصد برسانند و دستمزد ناچیزشان را دریافت کنند. این وضع ادامه داشت تا اینکه سرما هیوا و کولبر دیگر رازمینیگر کرد.

سایر کولبران از حادثه تلخی که در حال رقم خوردن بوداطلاعی نداشتند و احتمال می‌دادند که ۲ کولبر کم سن و سال به‌زودی خودشان را به بقیه گروه می‌رانند. با این حال هر چه گذشتست خبری از آنها نشد تا اینکه وقتی آنها به مقصد رسیدند و باز هم خبری از آنها نیامد تعدادی از آنها تصمیم گرفتند برای نجات ۲ کولبر گمشده به کوهستان برگردند.

آنها از همان مسیری که ساعتی قبل آمده بودند دوباره برگشتند و در شرایطی که هنوز هوا تاریک بود همه جا را جست‌وجو کردند. در میانه راه بود که آنها ابتدا هیوا را دیدند که در میان برف و یخ، بی‌حال روی زمین افتاده

همیشه برای

کوتاه از حادثه

پرونده شهادت جوان بسیجی

در دادگاه



جریان درگیری‌های خیابانی در خیابان سجاد شمالی منطقه فلاح با شلیک گلوله ساچمه‌ای به شهادت رسید.

برادر او که آن شب همراهش بود در بساره حادثه‌ای که منجر به شهادت برادرش شد، می‌گوید: یک گروه تقریباً ۵انفره با موتور بودیم. جاهایی که آتش زده بودند می‌فتیم و با کنار زدن تابلوهایی که وسط خیابان ریخته شده بود راه را برای مردم باز می‌کردیم. در ادامه به سمت خیابان سجاد شمالی آمدیم و وارد چهارراه فلاح شدیم اما به ما خبر دادند که در خیابان دیگری درگیری است و آنجا را آتش زده‌اند. ما هم به آنجا رفتیم تا خیابان را باز کنیم.

او ادامه می‌دهد:وارد خیابان که شدیم آنها با سنگ ما را می‌زدند و شرایط بدی بود. چند موتور زد شد و رفتند تا راه را باز کنند اما اکثریست ماندیم. آنهاپی که ماندند به سمت کوجه رفتند تا پاکسازی کنند. من و سلمان هم جزو آنان بودیم. بر خلاف دیگر نقاط محل که آرام شده بود، اغتشاشگران از کوجه بیرون نمی‌رفتند و فقط فاصلهای را با ما رعایت می‌کردند. ناگهان از یکی از نقاط مشرف بالا، به سلمان که در یک متری من ایستاده بود با سلاح ساچمه‌ای شلیک کردند. پرت زمین شد و دیدم که غرق خون شده‌است. دیدم زخم بزرگی روی گلویش است و صورتش پر از ساچمه بود که او به مرکز درمانی منتقل شد اما سرانجام به شهادت رسید.

به‌دنبال این جنایت، تحقیقات برای شناسایی عامل تیراندازی آغاز شد و کمی بعد مأموران موفق شدند عامل شهادت سلمان امیراحمدی را دستگیر کنند. از آن روز تحقیقات و باج‌جویی‌ها در این پرونده ادامه داشت تا اینکه سرانجام دادستان تهران از پایان تحقیقات در دادسرا و صدور کیفرخواست خبر داد. علی صالحی گفت: بسیجی شهید سلمان امیراحمدی، در مقابله با اغتشاشگران در محله فلاح به شهادت رسیده و برای منتهی به قتل این شهید عزیز امنیت، کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه ار سال شده است. او ادامه داد: در مقابله با خونی‌تها علیه مدافعان امنیت و ناامنی در جامعه هیچ‌گونه مماشاتی نخواهیم داشت و در این زمینه پیگیری‌های حقوقی و قضایی ادامه دارد.

بازداشت عروسی که فکر می‌کرد

قاتل مادر شوهرش است



زن جوان که از حمله خونین به‌مادر شوهرش، تصور می‌کرد او را به قتل رسانده، از تهران گریخت و در همه این مدت با عذاب وجدان زندگی می‌کرد تا اینکه از سوی پلیس دستگیر شد.

به‌گزارش همشهری، چندی قبل مردی جوان راهی اداره پلیس تهران شد و گفت سسارقی به مادرش حمله کرده و او را به کما فرستاده است. وی توضیح داد: پس از فوت پدرم، مادرم به تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرد اما امروز (روز حادثه) که برای سر زدن به او به خانه‌اش رفتم با پیکر نیمه جان مادرم مواجه شدم. سر و صورتش خون آلود و از هوش رفته بود. او را به بیمارستان رساندم اما پزشکان گفتند که وی به‌دلیل ضربه سنگینی که به سرش اصابت کرده به کما رفته‌است. پس از بررسی خانه متوجه شدم که طلاهای مادرم سرقت شده و ظاهرا سارق وارد خانه او شده و بعد از ضرب و شتم مادرم دست به سرقت از آنجا زده است.

با اظهارات این مرد، پرونده‌ای در شعبه پنجم دادرسی ناحیه ۳۴ تهران تشکیل و تحقیقن کارآگاهان پلیس برای شناسایی سارق آغاز شد. درحالی‌که تحقیقات ادامه داشت زن سالخورده به طرز معجزه آسایی به هوش آمد و از خطر مرگ نجات یافت. او در تحقیقات اسرار سرقت خونین از خانه‌اش را فاش کرد و گفت که سارق، عرووش بوده است. وی توضیح داد: روز حادثه عروسم که از سال‌ها قبل با او اختلاف داشتم به خانه‌ام آمد. بحث اختلافات قدیمی را پیش کشید و مشاجر همان شد و او مرا کتک زد و در آخر با مجسمه ضربه‌ای به سرم زد که از هوش رفتم. وقتی چشمانم را باز کردم در بیمارستان بودم و فهمیدم حدود ۳هفته در کما بودهام. عروسم پس از این ماجرا طلاهایم را سرقت کرده و باقیچی الگوهایم را بریده و فرار کرده بود.

با اظهارات این زن، عروس وی تحت تعقیب قرار گرفت. او اما فراری شده و به یکی از شهرستان‌ها گریخته بود که در ادامه مخفی‌گاش شناسایی و دستگیر شد. او تصور می‌کرد که مادر شوهرش را به قتل رسانده و برای همین پا به فرار گذاشته بود. وی پس از دستگیری گفت: مادر شوهرم از کما ابتدا مخالف ازدواج من و پسرش بود خیلی می‌زدت می‌کرد. حتی یک بار مرا کتک زد و باعث شد به‌شدت مصدوم شوم. برای همین از او کینه به دل داشتم تا اینکه روز حادثه برای انتقام‌جویی به خانه‌اش رفتم. آن روز مادر شوهرم را به باد کتک گرفتم و طلاهایش را اسرقت کردم و وقتی از خانه‌اش خارج شدم فکر می‌کردم که او را کشته‌ام. به همین دلیل با شوهرم یک دعوی‌ای صوری را انداختم و به‌حالت قهر خانه را ترک کردم و به یکی از شهرها گریختم و در این مدت تصور می‌کردم قاتل هستم و عذاب وجدان داشتم تا اینکه دستگیر شدم و فهمیدم او زنده‌است. براساس این گزارش، عروس انتقام‌جو با قانوونی بازداشت شده و در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته‌است.